

۲۰ مقاله

پیرامون تناتر
برای مخاطبان جوان

نوشته‌ی
موسی گلدبرگ

برگردان فارسی
حسین فدایی حسین

انتشارات نیایش

به مناسبت نوزدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی تناتر کودک و نوجوان

فرصت دوباره‌ای پیش آمد تا به بهانه‌ی نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان چند عنوان کتاب جدید منتشر شود. رویکرد و برنامه‌ریزی دوره جدید جشنواره توجه به آموزش در تربیت مخاطب کودک و نوجوان است. منظور از تربیت صرفاً مفاهیم آموزشی نیست بلکه با رویکرد استفاده از زبان هنر، یکی از عناصر مؤثر نمایش یعنی تأثیر نمایش بر مخاطب که می‌تواند منجر به آگاهی و پرورش مخاطب شود، مدنظر است. این خاصیت بزرگ و اصلی هنر نمایش است که می‌تواند در مخاطب تأثیر بگذارد و تغییر ایجاد کند؛ همان مفهوم تربیت که در شکل و روش هنرهای نمایشی یک نوع آگاهی است. در تئاتر کودک و نوجوان این آگاهی می‌تواند به صورت خلاقانه و مؤثر شکل بگیرد و مخاطب این مقطع سنی با درک و شناختی که به دست می‌آورد شخصیت خود را شکل دهد.

چاپ کتاب‌های آموزشی و پژوهشی یکی از راه‌های توجه به مفاهیم مهم هنرهای نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان است. در دوره جدید جشنواره ضمن توجه به این بخش مهم و کاربردی، توجه ویژه‌ای به چاپ نمایشنامه‌های کودک و نوجوان شده است و ضمن چاپ آثار شاخص ایرانی و خارجی بر اهمیت درام تأکید دوباره‌ای خواهد شد. بدون شک در سال‌های گذشته چاپ کتاب‌های متنوع آموزشی با موضوع تئاتر کودک و نوجوان توانست کمک مؤثر و زیادی به هنرمندان این رشته بکند. امید است آثار جدید بتواند ضمن تداوم و اهمیت‌بخشی به این حوزه، مورد توجه خانواده تئاتر واقع شود.

شهرام کرمی

دبیر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

مدیر دفتر تئاتر کودک و نوجوان

اداره کل هنرهای نمایشی

فهرست

پیش‌گفتار / ۹

مقدمه / ۱۱

سیاست‌های در تئاتر کودک و نوجوان

۱. کودکی، تحصیل و جامعه / ۱۷
۲. درباره‌ی سیاست‌گذاری ملی برای هنر / ۲۷
۳. چارپایه‌ی سه‌پایی / ۳۶
۴. مخاطب صددرصدی / ۴۹
۵. تمام سیاست‌ها محلی هستند / ۵۹
۶. تئاتر کودک آمریکا در دهه‌ی ۶۸/۱۹۸۰

هنر تئاتر برای مخاطبان جوان

۷. درباره‌ی گذرا بودن تئاتر / ۸۳
۸. به‌سوی تئوری رشد زیبایی‌شناختی / ۹۱
۹. مراحل مختلف تجربه‌ی تئاتری / ۱۰۳
۱۰. تجربه‌ی تئاتر مشارکتی / ۱۱۵
۱۱. قصه‌ها و قصه‌گوها / ۱۳۲
۱۲. کارگردان در جایگاه مترجم / ۱۴۴
۱۳. بازیگر یا کاهن / ۱۵۵
۱۴. رام کردن ببر یا آموزش بازیگری / ۱۶۳
۱۵. طراحی تصاویر و صداها در تئاتر / ۱۷۴

جنبه‌های تجاری در تئاتر کودک و نوجوان

۱۶. مدیریت یا راندن ارباب / ۱۸۳
۱۷. دو گروه تماشاگر / ۱۹۵
۱۸. داستان ۶۰ دقیقه‌ای / ۲۰۷
۱۹. سفر هنری و مدیر سالن تئاتر / ۲۲۰
۲۰. مخاطبان امروز، رهبران فردا / ۲۳۰

درباره‌ی نویسنده / ۲۳۸

در مباحث این کتاب، گلدبرگ علاوه بر موضوع ذکر شده در بالا، به درس‌هایی از زندگی در همین زمینه اشاره دارد: دیدگاه‌های عملی درباره‌ی عملکرد نمایش، سرمایه‌گذاری، روابط مدرسه‌ای، و غیره. این مباحث، چیزی بیش از توالی مهم تجربه‌های تئاتری، اقتصادی، و سطوح مختلف موفقیت (یا گاهی شکست) ماست، بلکه پیگیری نظریه‌های تند و نیشدار درباره‌ی سیاست فرهنگی ملی ما، روند سیاسی ما، شخصیت ملی نوظهور ما و غیره است، که همگی با یأس ناشی از کار و تلاش در کشوری القاء شده که تعهد مردمانش به هنر کودکان، بی‌فروغ است و نیز با آرزوها و جاه‌طلبی‌هایی القاء شده که از یک عمر مشاهده‌ی تغییر و انتقال زندگی کودکان و نوجوانان نشأت می‌گیرد. آنچه در این کتاب ارائه شده، مصداق تنوع‌هاست، بیانگر اصولی که به عقیده‌ی گلدبرگ در صورتی ضروری هستند که ما را چند قدم جلوتر در این سرزمین حرکت دهند؛ اصولی که بی‌شک به بروز مباحث، منازعات، بحث و جدل‌ها و مخالفت‌ها و موافقت‌ها می‌انجامد.

موسی گلدبرگ با بیان این حجم‌انداز به‌شکلی روشن و صریح، تلویحاً سؤالاتی طرح می‌کند که هریک از ما باید به خودمان پاسخ دهیم، سؤالاتی که ما را به درگیری با خود و تأمل در خویشتن دعوت می‌کنند، و به ما یادآور می‌شوند که جهان آینده از آن ماست تا آن‌ها شکل دهیم. وی همه‌ی ما را به بررسی نقش‌هایمان به‌عنوان ابرقهرمانان بالقوه، فرا می‌خواند؛ ابرقهرمانان حامی هنرها که متعهد هستند تا جایگاه خود را در آینده تثبیت کنند. وی سفری به ما پیشنهاد می‌دهد که نماد تئاتر کودک است. سفری در کشف خود، جاده‌ای از سؤالات با نشانه‌هایی که سؤالات جدید ایجاد می‌کنند و در همین حال پاسخ‌هایی ساده و آسان دارند.

درمجموع، گلدبرگ با فریادی رسا، حقوق کودکان ما را بررشد و پیشرفت استعدادهای فیزیکی و فکری و نیز خلاقیت، فریاد می‌زند.

بن کامرون

مدیر مسئول گروه ارتباطات تئاتری

۲۰۰۵

مقدمه

به نظر می‌رسد تقدیر من با کودکان گره خورده باشد. وقتی نوجوانان بودم به عنوان پرستار بچه در «بوی اسکات»^۱ با خردسالان کار می‌کردم. اکثر سال‌های جوانی و دوران دانشگاهم را مشاور اردوهای تابستانی بودم. رشته شیمی می‌خواندم اما خیلی زود فهمیدم که دوست ندارم در آزمایشگاه کار کنم، پس به روانشناسی تغییر رشته دادم و به عنوان روانشناس کودک فارغ التحصیل شدم. در واقع مدرک لیسانسم روانشناسی رشد بود و همان‌طور که حدس می‌زنید، همیشه در زندگی تئاتری‌ام مفید بوده است.

تئاتر، «سرگرمی» همیشگی من بود. وقتی کودک بودم به قصه‌سازی شهرت داشتم، و عاشق «اجرا» در حضور دیگران بودم. پسری بودم که در تجربه‌های تئاتر کودکان شرکت داشتم و نقش‌هایی چالشی چون کوتوله‌ی «سفید برفی» و شاید نقش امضا شده‌ی شیر شجاع در «جادوگر/وز» را ایفا می‌کردم. وقتی در دانشگاه رشته روانشناسی می‌خواندم، هر جا می‌توانستم در نمایش‌ها شرکت می‌کردم و اغلب جزو بازیگران اول بودم که این تا حدی از نشانه‌های موفقیت تحصیلی من بود.

چنانچه خواننده‌ی این سطور هستید و به تئاتر تا حدی علاقه دارید، پس برایتان عجیب نیست که درعین دوتکه شدن زندگی‌ام بین تحقیقات روانشناسی درباره‌ی رفتار انسان‌ها، و هنر خلق رفتار تئاتری، جایی که بیش‌تر احساس سرزندگی می‌کنم و اکثر دوستانم را در آن می‌یابم، همان تئاتر باشد. می‌دانستم در مسیری هستم که به بچه‌ها می‌پردازم، به آن‌ها کمک می‌کنم تا به زمینه‌های والای وجود خود به عنوان انسان برسند. به عنوان یک انسان بالغ، دوست داشتم به بچه‌ها کمک کنم تا با عواطف خود راحت باشند و مردمانی

^۱. Boy Scouts

هوشیار و پرشور و احساس شوند. دوست داشتم به همه‌ی کودکان کمک کنم با علم به قدرت داستان در الهام‌بخشی احساسات و اعمال انسانی، بزرگ شوند. می‌خواستم کودکان مخلوقاتی باشند که به کمال انسانیت دست یابند.

به‌جای آن‌که روانشناسی باشم که کودکان را معالجه می‌کند، کودکانی که در رشد عاطفی راه را به خطا رفته‌اند، رشته کاری‌ام را عوض کردم و تصمیم گرفتم تا کودکان سالم را سلامت نگه دارم و به آن‌ها ظرفیت‌های کامل هنری را نشان دهم.

از روزی که این تغییر را کار خود ایجاد کردم، سال‌های زیادی می‌گذرد و در این مدت فرصت یافتم تا رشته تئاتر کودک و نوجوان را بررسی کنم و مفاهیم مرتبط با درام کودک را در بسیاری جهات دچار تحول کنم. این مجموعه‌ی کوچک مقالات، تلاشی است تا بتوانم چشم‌اندازی را رو به نقطه‌ای که فکر می‌کنم هستیم یا باید باشیم، ارائه می‌دهد.

نظراتم را به سه بخش تقسیم کرده‌ام: سیاست‌گذاری، کار هنری، و مدیریت عملی در جنبش تئاتر کودک و نوجوان. بخش اول بر مبنای شناخت فلسفی خودم از جامعه و نیازهایش بنا نهاده شده است. سعی خواهم کرد تا استدلالی منطقی ارائه دهم تا در حمایت از سیاستی ملی، چشم‌اندازی از تمام هنرها برای کودکان کشورم ارائه دهم. آن‌قدر ساده‌لوح نیستم که فرض کنم رهبری سیاسی کشورمان درواقع آن کاری را انجام می‌دهد که من می‌خواهم، تا هنر در مدارس و اجتماعات ما رشد یابد، بلکه می‌دانم اگر دیدگاه و انتظاری نسبت به آن چه فکر می‌کنیم باید اتفاق بیفتد نداشته باشیم، هرگز هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

بخش دوم به بررسی چگونگی ساختار تئاتری مورد علاقه‌ی من برای مخاطبان کودک و علت آن اختصاص داده شده است. اصلاً قرار نیست توضیحی از چگونگی انجام روش کاری‌ام توسط شما ارائه دهم، بلکه کافی است ملاک‌های به‌دستان بیاید تا شغل هنری خودتان را با آن مقایسه کنید. بسیار امیدوارم این بخش از کتاب، استدلال‌هایی ارائه دهد که بیان کند چرا باید به روش‌های کاری دیگر هم توجه کرد. اما به‌هرحال این تکنیک‌ها و استدلال‌ها برای من مفید بوده و به‌نظر می‌رسد برای مخاطبان ما نیز دست‌یافتنی بوده‌اند.

بخش پایانی در واقع همان چیزی است که برای من به منزله‌ی نقش مدیریت تولید برای سال‌های متمادی بود. چگونه برنامه‌ریزی‌های تئوری و هدف‌گذاری هنری، در دنیای واقعی به حقیقت می‌پیوندند، به‌خصوص وقتی چیزهای پیش‌یافتاده‌ای چون برنامه‌ی سرویس مدرسه، و یا خودخواهی هنرمندان در بودجه‌بندی یک طرح، باید مورد توجه باشند. هدف از این بخش کتاب، این است تا بدانید مسائل دقیقاً آن‌طور که شما فکر می‌کنید نیستند. بنابراین احتمال از هرگونه احتمال مداخله‌های واقعی در طرح‌های شما بسیار بهتر از این است که فکر کنید این دخالت‌ها وجود ندارند.

این کتاب موجودیتی نمایی‌یافت اگر نبودند صدها بازیگر، نمایشنامه‌نویس، طراح مری، مدیر، هیئت اجرایی، خیرین، ناشرین، نجار، خیاط، صنعتگران و سایر صاحب‌آهنگر، رقاص، کنترل‌چی، راننده اتوبوس، سرایدار، و هزاران نفر دیگر، که در یک فرض مشترکند: کودکان ما ارزش و لیاقت بهترین تلاش‌ها را دارند و نه کمترین آن‌ها. می‌خواستم بازیگران بزرگ را وادارم تا داستان‌های بزرگ بگویند، که از تماس زنده با کودکان ما حکایت کنند و بچه‌ها را به نیروی طبیعی هنرمندی بسپارند. صدها نفر دیگر که نام برده نشدند، این امکانات را فراهم می‌کردند. بسیاری از آن‌ها در ذهنم به‌عنوان نقش‌آفرینان کار چهل ساله‌ام پایدار هستند اما ذکر نام همه‌ی آن‌ها ممکن نیست و ذکر نام برخی از آن‌ها کم‌لطفی نسبت به بقیه خواهد بود. آن‌ها امکاناتی را فراهم کردند تا من شادی و نشاط آگاهی را در چهره‌ی هزاران و بلکه میلیون‌ها کودک ببینم که برخی از آن‌ها تا پایان عمر مسحور جادوی تئاتر شدند. هم‌چنین به من یاری رساندند تا آن چیزی بشوم که هستم. به همه‌ی آن‌ها فقط می‌توانم بگویم: «متشکرم!»

موس کلبه‌برگ

۲۰۰۵